

درس ۸: پایه‌های آوایی همسان (۲)

✓ آموختیم که برای درک پایه‌های آوایی شعر، هجاها یا نشانه‌های هجایی را به دسته‌هایی منظم برش می‌زنیم. یا با خط عمودی، مرز هر دسته از هجاها را مشخص می‌کنیم.

✓ پس از تشخیص و درک پایه‌های آوایی شعر، برای، درک بهتر نظم پایه‌های آوایی، «وزن واژه» هر پایه را مشخص می‌کنیم.

✓ آنکته مهم در این دسته‌بندی هجاها، نوع نظم آن‌ها است.

✓ در درس گذشته (درس ۵) با دو نمونه از پایه‌های آوایی همسان، آشنا شدیم.

مفاعیلن (U - -) فاعلاتن (U - -)

اکنون، دیگر وزن‌های همسان را فرامی‌گیریم.

فعولن (U - -) مستفعلن (U - -) مفتعلن (U U -) فعلاتن (UU - -)

❖ فعولن (U - -) (ت تن تن)

غمش در نهان خانه دل نشیند/ به نازی که لیلی به محمل نشیند طیب اصفهانی

۱. پس از خوانش درست بیت و درک موسیقی آن، مرز پایه‌های آوایی آن را مشخص کرده‌ایم.

۲. هر مصراع این بیت از چهارپایه همسان تشکیل شده است.

۳. وزن واژه این بیت «فعولن» (ت تن تن) است.

۴. برای اینکه نظم این هجاها را بهتر نشان دهیم، نشانه‌های هجایی هر پایه را مشخص می‌کنیم.

پایه‌های آوایی	عَ / مَش / دَر	نَ / هان / خا	نَ / ی / دِل	نَ / شِ / نَد
پ / نا / زی	کَ / لَی / لی	پَ / مَح / مِل	نَ / شِ / نَد	
U - -	U - -	U - -	U - -	
فعولن	فعولن	فعولن	فعولن	

1 هجای هشتم مصراع اول را باید هجای بلند (طبق اختیارات شاعری) در نظر بگیریم تا وزن شعر در هر دو مصراع یکی باشد

خدایا به خواری مران از درم / که صورت نبندد دری دیگرم سعدی

پایه‌های آوایی	خُ / دَا / یا	پَ / خا / ری	مَ / را / نَز	دَ / رَم
کَ / صو / رَت	نَ / بَن / دَد	دَ / ری / دی	گَ / رَم	
U - -	U - -	U - -	U - -	
فعولن	فعولن	فعولن	فعولن	فعل

۱. نظم و چینش هجاهای این بیت در هر پایه، با نمونه قبلی یکسان است و هر دو بیت با یک آهنگ و وزن سروده شده‌اند و هجاهای کوتاه و بلند به‌صورت یکسان از پی هم آمده‌اند؛

۲. تعداد هجاهای پایه چهارم این دو بیت با هم تفاوت دارند. به بیان دقیق‌تر، «وزن» این بیت نیز «فعولن فعولن فعولن فعل» است،

۳. در این بیت یک پایه آخر آن حذف شده است.

❖ نکته: در هریک از این وزن‌های همسان، ممکن است یک هجا یا بیشتر از پایان آن حذف شود؛ گاهی هم یک پایه، به‌صورت کامل حذف می‌شود؛ یعنی هر مصراع، به جای چهارپایه، سه‌پایه دارد.

بیاموزمت کیمیای سعادت / ز هم صحبت بد، جدایی جدایی

پایه‌های آوایی	بَ / یا / مو	ز / مت / کی	مَ / یا / ی	سَ / عا / دت
زَا / هم / صح	بَ / ت / بد	جَ / دا / پی	جَ / دا / پی	
U - -	U - -	U - -	U - -	
فعولن	فعولن	فعولن	فعولن	

توجه: واژه‌هایی مانند «بیا، بیار، زیاد، پیاده، میانه، عامیانه، نیاکان (اجداد)، سیادت، کیمیا» و نظایرشان، در هنگام تقطیع شعر و هجابندی، به‌صورت بیا، بیار، زیاد، پیاده، میانه، عامیانه، نیاکان، سیادت، کیمیا تلفظ و هجابندی می‌شوند.



- نکوهش مکن چرخ نیلوفری را/ برون کن ز سر باد خیره‌سری را ناصر خسرو

- یکی باب عدل است و تدبیر و رأی/ نگهبانی خلق و ترس خدای سعدی

- نه گردن کشان را بگیرد به فور/ نه عذرآوران را براند به جور سعدی

- سلامی چو بوی خوش آشنایی/ بدان مردم دیده روشنایی حافظ

- بدل کاشتم مهر آن طفل جاهل ز راه نظر/ بجز طفل اشکم نشد هیچ حاصل ازین رهگذر فیض کاشانی

❖ مستفعّلن (- U -) (تن ت تن)

گر جان عاشق دم زند، آتش در این عالم زند/ وین عالم بی‌اصل را، چون ذره‌ها بر هم زند مولوی

هر مصرع این بیت، از چهارپایه همسان تشکیل شده است. به بیان دیگر، هر مصرع را به بخش‌ها و پایه‌های تکراری و منظم چهارهجایی دارد.

وزن هر مصرع این بیت از چهار وزن واژه «مستفعّلن» (تن ت تن) تشکیل شده است.

برش پایه‌های آوایی و نشانه‌های هجایی بیت، به شکل زیر است:

پایه‌های آوایی	گَر/ جَا/ نِ/ عَا	شِقْ/ دَمْ/ زَ/ نَد	آ/ تَش/ دَ/ رِین	عَا/ لَمْ/ زَ/ نَد
وین/ عَا/ لَمْ	بی/ اَص/ لَ/ رَا	چُن/ اذَر/ رِ/ هَا	بَر/ هَم/ زَ/ نَد	
- U - -	- U - -	- U - -	- U - -	- U - -
مستفعّلن	مستفعّلن	مستفعّلن	مستفعّلن	مستفعّلن
وزن				

[۱] هجای چهارم مصرع دوم «م» به صورت بلند تلفظ می‌شود

نکته: گاه در مصرع‌های یک بیت، به جای ۴ رکن «مستفعّلن»، تنها ۳ و یا حتی ۲ رکن «مستفعّلن» می‌آید؛ که در این صورت، وزن‌های جدید ساخته می‌شود؛ به این ترتیب:

۱- مستفعّلن مستفعّلن مستفعّلن: چون شبروان پوید همی در تیره شب/ تا کس مباد از رفتنش گردد خبر

۲- مستفعّلن مستفعّلن: دریای هستی دم به دم / در چرخ و تاب و پیچ و خم

تمرین

- مقدار یار هم‌نفس چون من نداند هیچ‌کس/ ماهی که بر خشک افتد قیمت بداند آب را سعدی
- بیهوده می‌کوشی که راز عاشقی را / از من بیوشانی که در چشم تو پیداست منزوی
- آن کیست کز روی کرم با ما وفاداری کند/ بر جای بدکاری چو من یک دم نکوکاری کند حافظ
- ای رستخیز ناگهان وی رحمت بی‌منتها/ ای آتشی افروخته در بیشه اندیشه‌ها مولانا
- جز خاک هرگز کی خورد/ آن را که خاک آمد خورش ناصر خسرو
- پیش آر، ساقی، آن می چون زنگ را/ تا ما براندازیم نام و ننگ را اوجدی

❖ مفتعلن (- U U -) (تن ت تن)

یار شدم یار شدم با غم تو یار شدم/ تا که رسیدم بر تو، از همه بیزار شدم مولوی

پایه‌های آوایی	یا/ اَر/ شُ/ دَم	یا/ اَر/ شُ/ دَم	یا/ اَر/ شُ/ دَم	یا/ اَر/ شُ/ دَم
تا/ اِ/ رَا/ سِی	دَم/ بَ/ رَا/ تْ	از/ اَ/ مَ/ اَبِی	زا/ اَر/ شُ/ دَم	
- U U -	- U U -	- U U -	- U U -	- U U -
مفتعلن	مفتعلن	مفتعلن	مفتعلن	مفتعلن
وزن				

تقسیم هجاهای این بیت، به دسته‌های چهارتایی نظمی همسان ایجاد می‌کند.

وزن هر مصرع این بیت از چهار وزن واژه «مفتعلن» (تن ت تن) تشکیل شده است.

ای نفس خرم باد صبا / از بر یار آمده‌ای، مرحبا سعدی

پایه‌های آوایی	ای/ نَ/ فَ/ اِی	خُر/ اَر/ اَم/ اَبَا	دَ/ صَ/ اَبَا
آزَا/ بَ/ رَا/ یَا	را/ اَمَ/ دَ/ اِی	مَر/ حَ/ اَبَا	
- U U -	- U U -	- U -	- U -
مفتعلن	مفتعلن	مفتعلن	فاعِلن
وزن			

نکته: وزن «مفتعلن مفتعلن فاعِلن» وزن ناهمسان است که از مستفعّلن مستفعّلن مفعولات (بحر سریع) است و در کتاب، به اشتباه در زیر ارکان همسان

آمده است. این وزن ارتباطی با وزن مفتعلن مورد بحث در این بخش ندارد

تجربیات

- عشق تو ببرد ز من مایه مایی و منی/ خود نبود عشق تو را چاره ز بی‌خویشتنی سنایی
- مرده بدم زنده شدم؛ گریه بدم خنده شدم/ دولت عشق آمد و من دولت پاینده شدم مولانا
- نیست تو را هیچ به سویم نظری/ می‌کنی هیچ به کویم گذری
- خواجه بیا خواجه بیا خواجه دگر بار بیا/ دفع مده دفع مده ای مه عیار بیا مولانا
- باده ده آن یار قدح باره را/ یار ترش روی شکرپاره را مولانا
- هند چو فردوس شد از صحبت من/ بهر هوایش کنون آییم به سخن امیر خسرو
- صبح ازل این طرف بناگوش ندارد/ شام ابد این زلف سیه‌پوش ندارد صائب

❖ فعلاتن (UU -) (ت ت تن تن)

✓ یکی از پرکاربردترین ارکان همسان است

تو حکیمی تو عظیمی تو کریمی تو رحیمی / تو نماینده فضلی تو سزاوار ثنایی سنایی غزنوی

پایه‌های آوایی	ث / ح / اکی / می	ث / ع / طی / می	ث / ک / ری / می	ث / ز / ا / می
ث / ان / ما / ین	د / ی / ق / ض / لی	ث / س / ز / ا / وا	ث / ا / نا / پی	
UU - -	UU - -	UU - -	UU - -	
فعلاتن	فعلاتن	فعلاتن	فعلاتن	

نکته: در تمامی وزن‌هایی که با «فعلاتن» (UU - -) آغاز می‌شوند، گاه در رکن آغازین مصراع‌ها (مصراع اول یا مصراع دوم یا هر دو مصراع) به جای رکن عروضی «فعلاتن UU - -» رکن عروضی «فاعلاتن: UU - -» می‌آید و این تفاوت جزئی، تغییری در وزن و نام آن ایجاد نمی‌کند؛
 خنک آن درد که یارم به عیادت به سر آید / دردمندان به چنین درد نخواهند دوا را

تغزین

- ملکا ذکر تو گویم که تو پاکی و خدایی / نروم جز به همان ره که توام راه نمایی سنایی
- من ندانستم از اول که تو بی‌مهر و وفایی / عهد نابستن از آن به که بندی و نیایی سعدی
- بت خود را بشکن خوار و ذلیل / نامور شو به فتوت چو خلیل جامی
- سینه از آتش دل در غم جانانه بسوخت / آتشی بود در این خانه که کاشانه بسوخت حافظ
- تو مرا جان و جهانی چه کنم جان و جهان را / تو مرا گنج روانی چه کنم سود و زیان را مولانا
- حاصل عمر تو افسوس شد و حرمان / عیب خود را مکن ایدوست ز خود پنهان اعتصامی

وزن کلام گزینه

۵۲. وزن کدام گزینه «UU - / - UU - / - UU -» است؟

(۱) بار دگر آغاز کن، آن پرده‌ها را ساز کن / بر جمله خوبان ناز کن، ای آفتاب خوش‌لقا

(۲) بر گل تر عندلیب، گنج فریدون زده است / لشکر چین در بهار، خیمه به هامون زده است

(۳) همچو منی زاده شاهنشاهی است / لیک دو صد وصله مرا بر قباست

(۴) قافیه و مغلطه را گو همه سیلاب ببر / پوست بود پوست بود درخور فهم شعرا^{۵۳}

۵۴. در کدام گزینه ارکان عروضی مقابل مصراع درست نیست؟

(۱) من از بازوی خود دارم بسی شکر: مفاعیلن مفاعیلن فعولن

(۲) عیان نشد که چرا آمدم کجا رفتم: مفاعیلن فاعلاتن مفاعیلن فعل

(۳) مرا راحت از زندگی دوش بود: فعولن فعولن فعولن فعل

(۴) وعده‌ها باشد حقیقی دل‌پذیر: فاعلاتن فاعلاتن فاعلن^{۵۴}

گزینه ۱	با/ر/د/اگر بر/جم/ال/خو	آ/غ/از/کن بان/نا/ز/کن	آن/پر/د/ها ای/آ/ف/تا	را/سا/ز/کن ب/خ/ش/ل/قا
گزینه ۲	بر/گ/ل/تر لش/ک/ر/چین	عن/د/لیب در/ب/هار	گن/ج/ف/ری خی/م/ب/صح	دون/ز/دست را/ز/دست
گزینه ۳	هم/چ/م/انی لی/ک/د/صد	زا/د/ی/شا وص/ل/م/را	هن/ش/ا/هیست بر/ق/ب/است	
	UU -	UU -	U -	
گزینه ۴	قا/فی/ی/و پو/است/ب/ود	مغ/ل/ط/را پو/است/ب/ود	گو/ه/م/سی در/خ/ر/فهد	لا/ب/ب/بر م/ش/ع/را

خودارزیابی

۱- بیت‌های زیر را متناسب با پایه‌های آوایی تفکیک کنید، سپس وزن واژه و نشانه‌های هجایی هر یک را در خانه‌ها، جای دهید:

الف) بخندد همی باغ چون روی دلبر / ببوید همی خاک چون مشک اذفر رودی

پایه‌های آوایی	پ / خَن / دَد	ه / می / با	غ / چُن / اِرو	ی / دِل / بَر
نشانه‌های هجایی	U - -	U - -	U - -	U - -
وزن واژه‌ها	فعولن	فعولن	فعولن	فعولن

ب) هین سخن تازه بگو تا دو جهان تازه شود / وارهد از حدّ جهان، بی حد و اندازه شود مولوی

پایه‌های آوایی	هین / س / خ / اِن	تا / ز / پ / اِگو	تا / دُ / ج / اِهان	تا / ز / ش / وَد
نشانه‌های هجایی	U U -	U U -	U U -	U U -
وزن	مفتعلن	مفتعلن	مفتعلن	مفتعلن

پ) دریادلان راه سفر در پیش دارند / پا در رکاب راهوار خویش دارند حمید سبزواری

پایه‌های آوایی	دَر / یا / دِ / لَان	را / هِ / سَ / قَر	دَر / پی / ش / دا	رَند
نشانه‌های هجایی	U - -	U - -	U - -	-
وزن	مستفعلن	مستفعلن	مستفعلن	فع

ت) سوزد مرا سازد مرا در آتش اندازد مرا / وز من رها سازد مرا بیگانه از خویشم کند رهی معیری

پایه‌های آوایی	سو / زَد / مَ / را	سا / زَد / مَ / را	دَر / آت / شَن	دا / زَد / مَ / را
نشانه‌های هجایی	U - -	U - -	U - -	U - -
وزن	مستفعلن	مستفعلن	مستفعلن	مستفعلن

ث) ای به ازل بوده و نابوده ما / وی به ابد زنده و فرسوده ما نظامی

پایه‌های آوایی	ای / پ / آ / زَل	بو / دِ / وُ / نا	بو / دِ / ما
نشانه‌های هجایی	U U -	U U -	U -
وزن	مفتعلن	مفتعلن	فاعلن

ج) سعادت به بخشایش داور است / نه در چنگ و بازوی زور آور است سعدی

پایه‌های آوایی	سَ / عا / دَت	پ / بَخ / شا	ی / شِ / دا	وَ / رَسَت
نشانه‌های هجایی	U - -	U - -	U - -	U -
وزن	فعولن	فعولن	فعولن	فعل

چ) جرمی ندارم بیش از این کز جان وفادارم تو را / ور قصد آزارم کنی، هرگز نیازم تو را انوری

پایه‌های آوایی	جُر / می / نَ / دا	رَم / بی / شَ	کَر / جان / وَ / فا	دا / رَم / تُ / را
نشانه‌های هجایی	U - -	U - -	U - -	U - -
وزن	مستفعلن	مستفعلن	مستفعلن	مستفعلن

ح) نظر آوردم و بردم که وجودی به تو ماند / همه اسمند و تو جسمی همه جسمند و تو روحی سعدی

پایه‌های آوایی	نَ / اَ / اَوَر	دَ / مَ / بُرَا دَم	کَ / وُ / جَو / دِی	بَ / اُتْ / مَآ / نَد
نشانه‌های هجایی	هَ / مَ / اِس / مَن	دُ / اُتْ / اِجْس / مِی	هَ / مَ / اِجْس / مَن	دُ / اُتْ / رَو / اِحِی
وزن	فعلاتن	فعلاتن	فعلاتن	فعلاتن

۲- غزل زیر از کلیم کاشانی را بخوانید و موارد خواسته شده را پاسخ دهید:

گر تمنای تو از خاطر ناشاد رود	داغ عشق تو گلی نیست که از یاد رود
نرود حسرت آن چاه زنخدان از دل	تشنه را آب محال است که از یاد رود
نتوان از سر او برد هوای شیرین	لشگر خسرو اگر بر سر فرهاد رود
کاش چون شمع همه سر شود اعضای کلیم	تا سراسر به ره عشق تو بر باد رود

الف) ویژگی‌های شعر کلیم را در آن مشخص کنید.

- قالب شعر غزل است با ردیف فعلی (کاربرد فعل) که از ویژگی‌های سبک هندی است.
- به‌کارگیری عناصر خیال و تصویرسازی با استفاده از زبان محاوره. (هوای چیزی را از سر بردن)
- بهره‌گرفتن از تمثیل و اسلوب معادله در بیت دوم.
- تلمیح به داستان خسرو و شیرین در بیت سوم.
- مضمون‌سازی نو و بدیع در بیت پایانی (چون شمع، همه سر شدن، بر باد رفتن).
- تقابل شمع با باد؛ زیرا شمع سراپا، سر است و در آرزوی رسیدن به معشوق می‌سوزد ولی با باد عشق به فنا می‌رود.
- میان واژه‌های «آب - چاه» و «خسرو - شیرین - فرهاد»، مراعات نظیر وجود دارد. عبارت «بر باد رود»، کنایه از «از یاد رود».
- ب) یک مجاز در بیت سوم مشخص کنید.
- سر مجاز از خیال، اندیشه، فکر، مرکز تفکرات و آرزوهای انسان. قرینه: هوا برد.

